

جلو‌های اسلام شیعی در جنوب شرق آسیا (اول): تایلند و اندونزی

کریستوف ماریکینوسکی

چکیده:

نوشتار پیش رو بخش نخست از تحقیق دو قسمتی^۱ نویسنده است که به وضعیت اسلام شیعی در تایلند و اندونزی می‌پردازد. وی ابتدا پس از دسته‌بندی کلامی و فقهی جمعیت عظیم مسلمان منطقه جنوب شرق آسیا، اکثریت آنان را در کلام، اشعری (در مقابل دو نحله معتزله و شیعی) و در فقه، پیرو مذهب شافعی می‌شمارد. از این رو شیعیان در تمامی کشورهای جنوب شرق آسیا از جمله تایلند و اندونزی، اقلیتی کوچک ولی مهم هستند. نویسنده در توضیح موقعیت شیعیان تایلند، از تاریخ پر عظمت گذشته آنان یاد می‌کند و شیعیان کنونی آن کشور را با کمک نهادهای جمهوری اسلامی ایران فعال می‌خواند. وی در مورد اسلام شیعی اندونزی، به ریشه‌های تاریخی فکر فلسفی شیعی اشاره می‌کند، و تأثیر انقلاب اسلامی ایران در احیای این مذهب اسلامی را یادآور می‌شود. از نظر نویسنده در اندونزی پس از سوهارتو، فضای مناسبی برای ترویج آموزه‌ها و فعالیت‌های شیعیان پیش آمده است. این نویسنده مهمترین نهاد علمی و ترویجی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور را کالج اسلامی وابسته به جامعه المصطفی العالمیه می‌داند. کلید واژگان: اسلام شیعه، جنوب شرق آسیا (تایلند و اندونزی)، کالج اسلامی.

^۱ - در بخش دوم به وضعیت شیعیان در دو کشور مالزی و سنگاپور پرداخته می‌شود.

رشته مطالعات (معارف) اسلامی در بسیاری از دانشگاه‌های جنوب شرق آسیا، هم‌چنان در حال ظهور و گسترش است. اما وقایع سیاسی اخیر به ویژه بحران اتمی ایران و بحران حل نشده عراق، موجب شده تا در جنوب شرق آسیا، دغدغه‌های جدیدی در زمینه اسلام شیعی در میان تحلیل‌گران سیاسی، مطرح شود. برای نمونه، مدارس علمیه شیعه ایران از سال ۱۹۸۰، با افزایش تعداد طلاب شیعه از مالزی، اندونزی، سنگاپور، تایلند و فیلیپین روبه‌رو بوده‌اند. شیعیان جنوب شرق آسیا با این که در میان جوامع مسلمان کشور خویش، در اقلیت هستند، معمولاً در برخورد با مسائل اجتماعی اطراف خویش، به صورت بازتر و آزادتری عمل می‌کنند بر این اساس، فهم مناسب‌تر اسلام شیعی، می‌تواند در رسیدن به تصویری متفاوت از اسلام در جنوب شرق آسیا، مفید باشد.

از این رو، وقایع جاری در کشورهای عمدتاً شیعه‌نشین ایران و عراق، باید مورد توجه سیاست‌گزاران جنوب شرق آسیا باشد. و این مطلب تنها به این دلیل نیست که احتمال تأثیر متحد‌کننده‌ای در میان مسلمانان منطقه به طور کلی، در این زمینه وجود دارد، بلکه پدیده اخیر گرایش به شیعه و روی آوردن اهل سنت به شیعه در مسلمانان آسیای جنوب شرقی، نشان دهنده آن است که باید توجه خاصی به این موضوع داشت. عدم آشنایی کامل با مفاهیم پایه شیعی - که آن را از سنیگری متفاوت می‌سازد - و نیز طبیعت تمدن اسلامی به همان صورتی که در این منطقه ظهور یافته است، موجب شده تا دستیابی به یک ارزیابی کاملاً متقن و به دور از احساسات از وقایع جاری ناممکن باشد. عامل شیعه‌گری در جنوب شرق آسیا در طول تاریخ باید همراه با مجموعه اوضاع و شرایط روند اسلامی شدن منطقه، مورد توجه قرار گیرد، که هر دوی این موضوعات هم‌چنان خود مباحث روز در میان علما و دانشمندان می‌باشد. به نظر نگارنده برای مطالعه تمدن اسلامی در شبه جزیره مالای - اندونزی باید دیدگاهی بیشتر تاریخی داشت تا از لغزش‌های جدی تفسیر نادرست و خارج از موضوع، در خصوص پدیده اخیر و معاصر توجه جدید به شیعه در میان مسلمانان جنوب شرق آسیا در امان بود.

نویسنده در مقاله قبلی خود در IDSS کوشیده بود تا بعضی از مسائل مرتبط با تفکر اسلامی شیعه اثنی عشری و نیز ابعاد عملی و نظری آن را بیان کند. مقاله حاضر در خصوص جلوه‌های اسلامی شیعی در تایلند و اندونزی، نخستین مقاله از دو مقاله‌ای خواهد بود که قصد دارد وضعیت‌های کاملاً متفاوتی را که شیعیان در جنوب شرق

معاصر آسیا با آن روبه رو شده‌اند، بیان کند. در مقاله دوم نیز منتخبی از مسائل کشورهای سنگاپور و مالزی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مکاتب و آیین‌ها

برای بررسی تجدید حیات اسلام شیعی در شبه جزیره در مجموعه تمدن اسلامی جنوب شرق آسیا باید به یاد داشته باشیم که بیشتر مسلمانان جنوب شرق آسیا امروزه سنی‌اند که اغلب آنان از دیدگاه الهیات، جزو مکتب اشاعره هستند. دیدگاه اشعری را می‌توان جریان غالب در الهیات اهل تسنن دانست. نام این مکتب از نام مؤسس آن ابوالحسن الاشعری (متوفای سال ۹۳۵ میلادی) که از جمله افراد اهل نظر و سامان بخش الهیات سنی‌گری بود برگرفته شده است. این مکتب را می‌توان عکس‌العملی علیه عقل‌گرایی معتزلی در نظر گرفت که در قرون وسطی و دوره اسلام کلاسیک اهمیت بسیاری داشت. بر اساس دیدگاه اشعری عقل انسانی در مرتبه دوم نسبت به وحی الهی قرار دارد زیرا گمان بر این است که عقل نمی‌تواند به صورت مستقل خوب و بد را تشخیص دهد. فقط خداوند می‌تواند در زمینه خوبی یا بدی عمل خاصی تصمیم بگیرد. تنها راه موجود برای دستیابی به اخبار مورد اطمینان از واقعیات مذهبی، وحی است. اشاعره درباره مسأله صفات الهی، اگر چه آنها را می‌پرستند، اما انسان‌انگاری بیش از حد را نمی‌پذیرند. این مسأله در تضاد کامل با دیدگاه‌های معتزله (و نیز شیعه اثنی عشری) است که در منابع قرآنی «دست خدا» را می‌بینند و در سایر صفات جسمی نیز از تعبیرهای استعاره بهره می‌گیرند. این مسأله در تاریخ الهیات اسلامی بسیار مشهور است که اشعریان اعلام می‌کنند که قرآن - با توجه به این کلام خداست - الوهی بوده و بنابراین مخلوق نیست. این دیدگاه نیز در تضاد با دیدگاه‌های معتزله و شیعه اثنی عشری است. آشکارا توجه اصلی اشعری به این نکته بوده است که خداوند، قادر متعال است.

در مجموع توجه و وابستگی مستمر اشاعره به الهیات سنی‌گری تا امروز اغلب به عنوان دلیل جزم‌گرایی در این مکتب، محسوب می‌شود.

در خصوص فقه اسلامی و مسائل عبادی، بیشتر مسلمانان سنی جنوب شرق آسیا پیرو مکتب شافعی به شمار می‌آیند. شاید عبارت «آیین فقهی» در این خصوص مناسب‌تر از «مکتب» باشد؛ عبارتی که متأسفانه همچنان در ادبیات معاصر به ویژه در غرب، کاربرد دارد. عبارت «مکتب» حالت گمراه‌کننده‌ای دارد، چرا که موضوعات مرتبط با الهیات را نیز در بر می‌گیرد و دامنه آن از عبارت تخصصی عربی «مذهب» (جمع آن: مذاهب) کمتر است. امروزه علاوه بر شافعی، تنها سه آیین فقهی دیگر در

اهل تسنن دیده می‌شود: آیین حنفی که معمولاً به عنوان میانه‌روترین آیین سنی در نظر گرفته می‌شود و در آسیای مرکزی، ترکیه، بالکان، شبه جزیره هند پیشرو می‌باشد - این آیین، آیین رسمی مذهبی در امپراتوری عثمانی، هند در دروه موغال و سایر امپراتوری‌های اسلامی با منشأ ترکی بوده است؛ آیین مالکی که بیشتر در شمال و شمال غرب آفریقا پیرو دارد و حنبلی (که اغلب به عنوان محافظه‌کارترین و سخت‌گیرترین مذهب سنی شناخته می‌شود) که اغلب پیروان آن در شبه جزیره عربستان حضور دارند. (وهابیت که امروزه عربستان سعودی و بخش‌هایی دیگر از افراط‌گرایان سنی را در مناطق دنیا احاطه کرده است، یک آیین فقهی نیست، بلکه یک جنبش سیاسی اصول‌گرا است که در اواسط قرن هیجدهم در شبه جزیره عربستان ظهور یافت.

به لحاظ توزیع جغرافیایی، شافعی‌های جهان، مالایی - اندونزیایی را تحت سلطه دارند. شامل سنگاپور، جنوب تایلند و جنوب فیلیپین - که این سلطه همراه با کشورهای مصر، سوریه، اردن، فلسطین و عراق (اهل تسنن این کشور) می‌باشد. هم‌چنین مجموعه‌ای از شافعی‌ها در جنوب هند زندگی می‌کنند. در حقیقت باید گفت بیشتر مسلمانان جهان، شافعی‌اند. وضعیتی که در مورد مراحل اسلامی شدن جنوب شرق آسیا نیز وجود داشته بیان‌گر همین مسأله است. علاوه بر این، معمولاً این نکته فراموش می‌شود که خود ایران نیز یکی از مراکز اصلی علوم مذهب شافعی - تا قبل از تأسیس شیعه اثنی عشری به عنوان مذهب رسمی در ایران در سال ۱۵۰۱م. توسط سلسله صفوی بوده است.

اما پرسش از مباحث فقهی یا آیین‌های فقهی اصولاً مسأله‌ای نیست که باعث جدایی شیعیان و سنی‌ها از هم شده باشد. در حقیقت، مکاتب شافعی و جعفری (آیین فقهی شیعه اثنی عشری) تا حد زیادی نسبت به آنچه در درون مکاتب اهل تسنن دیده می‌شود به یک دیگر نزدیک‌ترند البته در مورد قدرت مذهبی و مهم‌تر از همه در خصوص معانی اصلی و جای‌گاه دین و معنویت به طور کلی، با یک دیگر متفاوتند.

الهیات اشاعره در طول تاریخ اسلام بیشتر به این نکته تمایل داشت که نظام سیاسی حاکم را بپذیرد؛ به این معنا که هر سلسله‌ای که بتواند از توانایی نظامی بیشتری برخوردار باشد موفق‌تر است. کاربردهای بیشتر این شرط از حدود و حوصله مقاله حاضر که در خصوص اسلام شیعی است، بیرون می‌باشد. با این همه، باید به خاطر داشت که با توجه به فعالیت‌های اخیر شبکه تروریستی القاعده و عدم پذیرش آن در فضای عمومی اهل تسنن، باز هم ذکر می‌شود که این گروه تحت همین شرط، ولی با

ارائه این برچسب که حکومت‌های سنی مورد هدف آنان غیر اسلامی یا کمتر اسلامی‌اند توجیه می‌شود. از دیدگاه تاریخ الهیات سنتی اهل تسنن و تفکرات سیاسی اصول‌گرای آنان، این نوع توجه به حکومت سیاسی پایدار، قطعاً نوآوری محسوب می‌شود.

نویسنده علاقه مند است این مقدمه مختصر در مورد مکاتب فقهی را با اشاره به محمود شلتوت - یکی از رهبران اهل تسنن از مصر - به پایان برساند. شلتوت از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۳ شیخ یا امام اعظم دانشگاه الازهر - از مهم ترین مراکز اهل تسنن در جهان - بوده است. این دانشگاه اصالتاً در قرن دهم و توسط فاطمیون - سلسله‌ای از شیعه اسماعیلیه - تأسیس شده است. شلتوت، رئیس الازهر از معتبرترین مقامات اهل تسنن به شمار می‌رود و به ویژه به دلیل تدریس فقه زیدیه و شیعه اثنی‌عشری در دانشگاه همراه با فقه چهار مذهب معروف سنی، از شهرت خاصی برخوردار شد. شلتوت با توجه به ابعاد اجتماعی و احساس این نکته که تعارض‌های فرقه‌ای اساساً پدیده‌ای جامعه‌شناسانه هستند و نیز توجه به اهمیت والای فقه تطبیقی در مطالعه حقوق، در اندیشه نزدیکی مجدد شیعه - سنی افتاد که به صدور فتوای معروف فقهی او که در ژوئیه ۱۹۵۹ صادر و منتشر گردید، منجر شد. در این جا ارزش مند خواهد بود که متن فتوا به طور کامل آورده شود. این فتوا با توضیح خود شلتوت آمده است:

«بعضی اعتقاد دارند که برای مسلمانی که می‌خواهد عبادت و اعمال صحیح مذهبی داشته باشد لازم است از یکی از چهار مکتب معروف فقهی (اهل تسنن) پیروی کند، در حالی که مکتب شیعه اثنی عشری (الشیعه الامامیه) و زیدیه (الشیعه الزیدیه) یکی از مکاتب نباشد. آیا جناب‌عالی با این نظر موافقید و پیروی از مکتب شیعه اثنی عشری (الشیعه الامامیه الاثنی عشریه) را برای مثال، ممنوع می‌دانید؟»

وی پاسخ داد:

۱. اسلام از مسلمانان نخواست است از مکتب حقوقی خاص (مذهب) پیروی کند، بلکه ما می‌گوییم، هر مسلمان حق دارد از یکی از مکاتب فکری که به صورت صحیح نقل شده و فتوای آن در کتاب‌هایش کامل است، پیروی کند. و هر کسی که از چنین مذهبی (مکتب فقهی) پیروی کند می‌تواند به مکتب دیگر منتقل شود و اگر چنین کاری انجام دهد گناه کار نخواهد بود.

۲. مکتب فقهی جعفری که هم چنین تحت عنوان شیعه اثنی عشری (الشیعه الامامیه الاثنی عشریه) شناخته می‌شود، مکتبی است که از جهت دینی جهت انجام امور عبادی مانند سایر مکاتب سنی، معتبر است. مسلمانان باید بر این نکته آگاه بوده و از پیش داورهای نادرست درباره هر مکتب خاصی بپرهیزند، زیرا

دین خداوند و فقه الهی او (شریعت) هیچ گاه منحصر به یک مکتب فقهی خاص نیست. مجتهدان آنان از سوی خداوند متعال پذیرفته شده‌اند و پیروی افراد غیر مجتهد از آنان و عمل نمودن طبق تعالیم آنان، چه در مورد عبادات و چه معاملات، صحیح و پذیرفته است.

در بخش بعدی ما به جلوه‌های اسلام شیعه دوازده امامی در تایلند معاصر می‌پردازیم. علاوه بر این، نگارنده تلاش کرده‌است برخی تا بعضی ابعاد حضور تاریخ شیعه در تایلند به ویژه در دوره آیوتایا را بیان کند. تایلند؛ اقلیتی کوچک با تاریخی بزرگ

بر اساس کتاب آمار جهان CIA، در ژوئن ۲۰۰۶ اعلام شد که جمعیت تایلند به ۶۴/۶۳۱/۵۹۵ نفر می‌رسد و مسلمانان این کشور پادشاهی ۴/۶٪ از کل جمعیت بوده و بقیه بودایی اند. در این جا نیازی نیست که به تحلیل این آمارها بپردازیم، اگر چه احتمالاً در صد واقعی مسلمانان از کل جمعیت به ۱۰٪ می‌رسد. علاوه بر این، جامعه مسلمانان تایلند معاصر اگر چه از جهت قومی یک دست نیستند، از جهت فرهنگی تحت غلبه مالایی‌های جنوب تایلند - که عمیقاً وابسته به مکتب فقهی شافعی هستند - قرار دارند. دیدگاه فرهنگی و دینی آنان متمایل به کشور همسایه مالزی و دنیای غرب است تا به سوی ایران و هند - آن گونه که در دوره آیوتایا بود - به نظر می‌رسد، مهم ترین عامل تاریخی که پشتیبانی از غلبه اسلام سنی در میان مسلمانان تایلند را بر عهده داشته است علاوه بر پایان غلبه پارسیان در دوره آیوتایا، اتحاد چهار ایالت مطرح جنوبی یعنی: ناراتی وات، پاتانی، یالا و ساتن در سال ۱۹۰۲ در چارچوب اداری حکومت سلطنتی بود که باعث شد اسلام بزرگ ترین دین اقلیت در این کشور شود. غلبه اسلام سنی هم چنین در سال ۱۹۴۵ و با انتصاب چولارانج مونتری به جای افراد شیعی که از اعضای خانواده بون نانگ و از اعقاب شیخ احمد قمی بودند، تشدید گردید. شیخ احمد قمی عالم و بازرگان مهاجری از ایران بود که مورد توجه سلاطین آیوتایا قرار داشت و از سوی آنان به مقامات رسمی عالی برگزیده شد. پس از پایان غلبه شیعه‌گری که با پایان دوره سلطنت آیوتایا در اواسط قرن هیجدهم روی داد، مسلمانان شیعه، که اکثراً عضو قبیله پاتان بودند، اما در میان آنان از تایی‌ها و مالایی‌ها نیز دیده می‌شد، به زندگی در این کشور ادامه دادند. شیعیان هم اکنون اقلیتی کوچک در شهر بانکوک را تشکیل می‌دهند که شاید برای بسیاری از افراد با توجه به تاریخ شیعه در تایلند دوره آیوتایا عجیب باشد. اگر چه ارائه آمار شیعیان غیر ممکن است، منابع غیر رسمی جامعه شیعیان تایلند، تعداد آنان را در این کشور حدود یک درصد از جمعیت

مسلمانان تایلند ذکر می‌کنند و که مجموعاً به چند ده هزار نفر می‌رسند که این تعداد بستگی به آن دارد که کدام نوع دیدگاه جمعیتی را مد نظر قرار دهیم. بر اساس نظر وزارت خارجه آمریکا، وزارت امور دینی گزارش می‌کند که ۳۴۷۹ مسجد در ۶۴ استان ثبت شده که بیشترین تعداد در استان پاتانی بوده است. بیشتر این مساجد وابسته به اهل تسنن است و تعداد باقیمانده که به نظر این وزارت بین ۱ تا ۲ درصد از مجموع مساجد را تشکیل می‌دهند وابسته به شیعیان است. به هر صورت، زندگی شیعیان در تایلند جدید به نظر می‌رسد که کاملاً به سفارت ایران در بانکوک و مرکز فرهنگی آن وابسته است. این مطلب با وجود حضور نسبتاً آرام مرکز السید خوبی در این شهر است. نگارنده کوشید تا اطلاعات بیشتری از مرکز الخویی به دست آورد، اما گفته می‌شود که این مرکز دیگر به فعالیت خود ادامه نمی‌دهد. آیت‌الله سید ابوالقاسم الخویی (۱۹۹۲ - ۱۸۹۹) شاید یکی از مشهورترین و فعال‌ترین علمای ساکن نجف در قرن بیستم بوده است. او علاقه زیادی به تأسیس مؤسسات رفاهی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی برای مسلمانان سراسر جهان داشته که این مراکز در مناطقی چون، لندن، نیویورک، لبنان، پاکستان، بنگلادش و تایلند واقع اند.

سفارت ایران کوشیده است تا ذهنیت مناسبی درباره ایران ایجاد کند. این امر از طریق برگزار کردن کنفرانس‌ها و چاپ آثار ادبیات فارسی کلاسیک با ترجمه تایی از قبیل آثار شاعران متصوفی چون حافظ، سعدی، رومی و دیگران محقق شده است. برای نمونه شیخ احمد و تاریخ پرسابقه حضور ایرانیان در سیام، موضوع تعداد زیادی از کنفرانس‌های تایلند بوده است که اغلب با همکاری مشترک از طریق دانشگاه‌های این کشور برگزار شده‌اند. بخش فرهنگی سفارت ایرانی در داخل مجموعه خود کتابخانه شیخ احمد قمی را جای داده که اغلب کتاب‌های آن، دارای موضوعات مذهبی و فرهنگ و تاریخ ایران است.

مرکز فرهنگی همواره در ساماندهی چنین کنفرانس‌هایی فعال بوده است که نخستین آنها در سال ۱۹۹۴ در مرکز مطالعات تاریخی آیوتایا برقرار شد. نتیجه این کنفرانس، انتشار کتابی در چند مرحله به زبان تایی بود که در کیفیتی دانشگاهی و با شمارگان محدود منتشر شد و چکیده‌ای از آن به زبان انگلیسی بود. یکی دیگر از همایش‌ها که با حضور نگارنده و افرادی دیگر برگزار شد، در اول مارس ۲۰۰۳ بود که تحت عنوان «کنفرانس روابط تایلند - ایران؛ گذشته - حال - آینده» در مؤسسه آسیا پاسیفیک سریناخارین و پروت تایلند برگزار گردید. کنفرانس سومی نیز که آن هم با حضور نگارنده برگزار شد تحت نام «کنفرانس بین‌المللی تأثیرات صوفی‌گری ایرانی بر

جنوب شرق آسیا» بود. این کنفرانس با همکاری مشترک دانشگاه کاتولیک تایلند و سفارت ایران در ۸ - ۷ فوریه ۲۰۰۴ برگزار شد. کتابی دیگر که حاوی مباحث این کنفرانس بود در همان سال به چاپ رسید. بالاخره سفارت ایران گردهمایی چهارم را تحت عنوان «کنفرانس شیخ احمد قمی» در بانکوک و در ۳۴ - ۳۳ نوامبر ۲۰۰۵ ساماندهی کرد که بیشتر به دلیل بزرگداشت رسمی پنجاهمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک میان ایران و حکومت پادشاهی تایلند در سال ۱۹۵۵ برگزار شد. گفتنی است تایلند نخستین کشور جنوب شرق آسیا بود که ایران در دوره پهلوی (۱۹۷۹ - ۱۹۲۵) برای برقراری مجدد روابط با آن، اقدام کرد.

همان گونه که نگارنده شاهد بوده است (در طول سفرهای مختلفی که به بانکوک داشته) اغلب کارمندان تایلندی سفارت ایران قبلاً در حوزه‌های علمیه شیعه اثنی عشری در قم تحصیل کرده بودند، که این جانب با بعضی از آنها به صورت تقریباً روانی به زبان فارسی گفت و گو کرده‌ام، اغلب خود را جدا از اهل تسنن می‌دانند و تقریباً به هیچ عنوان با ساکنان جنوب کشور و خواست آنان جهت استقلال همراه نیستند.

در مورد مسائل امنیتی از سوی دولت تایلند، می‌توان اظهار داشت که تا کنون، نگاه جداسازی شیعیان از اهل تسنن در دولت شکل نگرفته است و مسلمانان در هر منطقه‌ای از این کشور پادشاهی به عنوان بخشی از «تشکل جنوب» یاد می‌شوند - مقصود، جدایی نژاد مالایی است. این مسأله می‌تواند با توجه به مسأله ایران - عراق که دغدغه ایالات متحده نیز هست و تایلند به عنوان متحد آمریکا در این جریان درگیر می‌باشد، تغییر یابد. در سناریوی فوق می‌توان تجدید تصاویر دهه ۱۹۸۰ را مشاهده کرد که بر اساس آنها شیعیان سراسر جهان به عنوان «مخاطرات بالقوه امنیتی» و «بمب‌های زمانی در حال حرکت» دیده می‌شدند. این مسأله فقط شاید در تایلند وجود نداشته باشد. از سوی دیگر، برای آینده، نگارنده نمی‌تواند هیچ پیش‌بینی خاصی داشته باشد، چرا که شیعیان تایلند به ایران به عنوان منبعی جهت فعالیت‌های فرهنگ و مذهبی اتکا داشته و تقریباً به طور کامل به آن کشور وابسته‌اند.

در این جا باید به یاد آورد که حضور شیعه در این کشور به همراه فرهنگ ایرانی بر کشور همسایه یعنی میانمار اثر گذاشته است که این تأثیر کاملاً محسوس است. دو شهر مرگویی و تناسریم که در عمق جنوب این کشور واقع‌اند زمانی در قرن پانزدهم به این سو به سلسله سیامی آیوتایا تعلق داشته‌اند. این شهرها دو بندر مهم این کشور محسوب می‌شوند که در گذشته بازرگانان شیعه و ایرانی جهت اقامت آن جا را برمی‌گزیدند. هم اکنون نسل‌های این افراد در میانمار حضور دارند و این نویسنده از سوی آقای محمد

رسلی بن حسن - رهبر گروه شیعیان سنگاپور - مطلع شدم که مسلمانان برمه زمانی به مسجد وی رفته بودند و بعضی از ادعیه را به زبان فارسی قرائت کرده بودند، اگر چه آنان قادر نبودند معنای این دعاها را درک یا به این زبان تکلم کنند.

شیعیان در اندونزی سکولار

تحقیق در مورد مسلمانان شیعه در اندونزی معاصر قطعاً به یک پژوهش مجزا نیاز دارد. بعضی کارها پیش از این انجام شده است. که برای مثال نشریه دانشگاهی اندونزیایی «علوم القرآن» شماره‌ای را به این مطلب اختصاص داده بود و دانشمندان اندونزیایی و بین‌المللی در تهیه آن مشارکت داشتند. آنچه در پی خواهد آمد بر این اساس، تنها تفکراتی است که باعث انجام تحقیقات خواهد شد.

همان گونه که نگارنده در موارد دیگر سعی داشت نشان دهد «اسلام شیعه از بعد تاریخی مدت زیادی است که در اندونزی حضور داشته است» و تصوف فلسفی جنبش وجودیه در قرن هفدهم در منطقه آچه و بخش «حکایات» از ادبیات کلاسیک مالایی از جمله جریان‌های قوی پیرو شیعه بوده‌اند. مراسمی با روح شیعی همنان در شبه جزیره وجود دارد اگر چه بسیاری از شرکت کنندگان آنها، سنی‌هایی هستند که از اصل و منشأ این بزرگداشت‌ها بی‌اطلاعند؛ همان گونه در مورد مالزی، تایلند و سنگاپور ذکر شده است تمایل اخیر به احیای اسلام شیعه در اندونزی از اوایل دهه ۱۹۸۰ به این سو و تحت تأثیر انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ که همه جهان اسلام را در بر گرفت، ایجاد شد. البته تعداد دیگری از شیعیان در باندونگ و سورابایا ساکنند. با توجه به این که اندونزی کشوری است که بیشترین تعداد مسلمانان را در جهان دارد و نیز گستره فرصت‌هایی که شیعیان خود را تحت نظر نظام سیاسی حاضر، ساماندهی کنند، تعداد شیعیان این کشور در مقایسه با بعضی دیگر از کشورهای منطقه احتمالاً بالاتر خواهد بود. آمار رسمی وجود ندارد، اما نشریه اینترنتی آسیا تایمز هنگ کنگ، مقاله‌ای در خصوص آیت‌الله سیستانی که در عراق ساکن است در ۳۱ اوت ۲۰۰۵ منتشر کرد و طی آن تعداد شیعیان جنوب شرق آسیا را ۳ تا ۴ میلیون نفر دانست. منبع این آمار البته همکاران [آیت‌الله سیستانی] در قم بودند. اگر چه این آمارها تا حدودی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد و نمی‌توان در مورد شمار دقیق پیروان شیعه، تحلیل خاصی ارائه داد، اما به نظر می‌رسد که وزارت خارجه آمریکا به نحوی این آمار را تأیید کرده است، چرا که در گزارش سالانه مربوط به آزادی مذهبی طی سال ۲۰۰۵ اعلام کرده است که «بین یک تا سه میلیون پیرو شیعه در این کشور ساکنند». این مسائل باعث می‌شود تا اندونزی به عنوان کشوری که در منطقه بیشترین تعداد شیعیان در آن ساکنند، مطرح

باشد. این مطلب مخصوصاً با توجه به مشکلاتی که شیعیان در کشور مالزی با آنها روبه رو هستند و نیز تعداد نسبتاً اندک آنان در سایر بخش‌های منطقه، واقعی‌تر جلوه می‌نماید. اگر چه هیچ آمار خاصی وجود ندارد، اما می‌توان پیش‌بینی کرد که روند دمکراتیزه شدن اندونزی پس از دوره سوهارتو، می‌تواند مهم‌ترین دلیل تعداد نسبتاً زیاد شیعیان در آن کشور باشد.

همان‌گونه که نگارنده در هنگام اقامتش در ایران بین سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶ مشاهده کرد شیعیان اندونزی - به ویژه شیعیان نو آیین - به تعداد زیاد در حوزه علمیه قم به ویژه مدرسه حجتیه، درس می‌خواندند. این نویسنده در سال ۲۰۰۰ نیز به قم رفته بود که مشاهده کرد مدرسه علمیه فوق تعداد زیادی از طلاب خارجی مقیم را در خود جای داده است. در کشور اندونزی در دوره سوهارتو، شیعیان تهدید عمده‌ای علیه حکومت به شمار می‌آمدند. هنگامی که من در دهه ۱۹۸۰ در ایران حضور داشتم اغلب این افراد به دلیل وجود مشکلات دولتی موظف بودند تقيه کنند. وضعیت آنان در آن هنگام مشابهت زیادی با مشکلاتی داشت که برادران آنان در مالزی تحمل می‌کردند اگر چه منشأ این مشکلات متفاوت از یک دیگر بود. در حالی که در مالزی به نظر می‌رسید علت اصلی نگرانی دولت آن کشور «خطرات موجود در راه اتحاد نژاد مالایی» و «فرقه ارتدوکس» بود، شیعه‌گری در اندونزی جنبشی انقلابی در نظر گرفته می‌شد که شدت آن می‌توانست برای رژیم سوهارتو خطرناک باشد همانند هرگونه مخالف حکومت دیگر که در این کشور حضور داشتند. از دیدگاه مارتین فان بوراین سن - که استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه اوترخت و مؤسس بین‌المللی لیدن ویژه مطالعات اسلامی در جهان نوین می‌باشد - «شیعه‌گری از دهه ۱۹۸۰ به این سو به عنوان تهدیدی عمده مطرح گشت. در این دوره انقلاب ایران خود را اندونزی نشان داد. ده‌ها کتاب و جزوه ضد شیعه که در آنها به عنوان اختراع یهودیان معرفی شده بود، به چاپ رسیده و در سطح گستره‌ای توزیع شد».

اما در اندونزی پس از دوره سوهارتو، به نظر می‌رسد شیعیان این کشور از وضعیت کلی به وجود آمده در خصوص آزادسازی سیاسی بهره بردند، اگر چه تنها در آینده مشخص شد آنان تا چه حدی می‌توانند از این فضا، استفاده کنند. شیعیان هم اکنون فعالانه در تبادلات روشن فکرانه با سایر اندونزیایی‌ها شرکت می‌جویند. روشن فکر شیعه و احتمالاً عالی‌ترین رهبر شیعیان کشور در حال حاضر، جلال‌الدین رحمت - که به عنوان کانگ جلال نیز شناخته می‌شود - در یک مصاحبه جالب با نشریه «علوم القرآن» اعلام کرده است که شیعه‌گری در اندونزی بیشتر یک جنبش روشن فکری

است تا یک جنبش انقلابی. رحمت ریاست جماعت ایکاتان اهل البیت اندونزی (jABI) را بر عهده دارد که انجمن شیعه واقع در جاوا محسوب می‌شود و در تمام کشور شعبه‌هایی نیز دارد. این جماعت در بخش انتشارات و ساماندهی کنفرانس‌ها و نیز گفت و گو و نزدیکی بیشتر با اهل تسنن و سایر گروه‌های دینی در کشور، فعالیت زیادی داشته است. علمای سنی نیز از قبیل پروفیسور آزیوماردی آزا که عالمی پیشرو در مورد اسلام و استاد تاریخ و ریاست دانشگاه اسلامی دولتی سیاریف هدایت اللّه در جاکارتاست در خصوص شیعه‌گری در همین نشریه مقالاتی به چاپ رسانده‌اند.

مشاهده می‌گردد که زندگی آموزش شیعیان به حد اعلای خود رسیده است. چندین سازمان شیعی در بخش آموزشی در کشور فعال و هم اکنون با شتاب بیشتری در حال رشد و شکوفایی‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌شود. شیعیان هم اکنون توانسته‌اند چندین مؤسسه آموزش عالی را به خود اختصاص داده می‌دهند؛ از جمله مؤسسه SMS و مطهری در باندونگ که در سال ۱۹۹۰ و به یاد آیت‌اللّه فقید مطهری از ایران، تأسیس شد. احتمالاً جالب‌ترین پروژه‌ای که در این خصوص به پدید آمده است کالج اسلامی مطالعات عالی (ICAS) در جاکارتا است. هم اکنون کالج به ارائه مدرک کارشناسی در رشته معارف اسلامی و کارشناسی ارشد در فلسفه اسلامی و تصوف - به ترتیب - می‌پردازد. آنچه این کالج را پروژه‌ای جالب توجه کرده آن است که از مرزهای آموزشی، مانند مدارس علمیه عبور کرده است. کالج خود را مؤسسه‌ای دو سویه می‌داند که قصد دارد چالش‌ها و فرصت‌های پیشروی مسلمانان از طریق جهانی‌سازی را آشکار سازد. کالج، مرکز مطالعات عالی ی پویاست که به ارائه آموزش‌های عالی اسلامی در حوزه اسلامی می‌پردازد. این کالج که در سال ۱۹۹۹ در لندن تأسیس شد به سرعت توسعه یافته و سه شعبه در نیویورک (۲۰۰۰)، غنا (۲۰۰۱) و جاکارتا (۲۰۰۲) ایجاد کرد. کالج برای کسانی طراحی شده است که به خدمت در جهت رشد تمدن جدید اسلامی علاقه مندند. این کالج به دنبال مقابله با چالش‌های موجود از طریق دیدگاه‌ها و توجه و تعقل و از جمله اندیشه ورزی‌های مذهبی اصیل، است.

این کالج دیدگاه‌های عقلی و فلسفی در مطالعات دینی، به ویژه معارف اسلامی را جهت دستیابی به اهداف فوق‌الذکر، سودمند می‌داند. ICAS ارائه کننده فرصت‌های مناسبی برای کسانی است که به استمرار دروس خود تا سطح کارشناسی ارشد می‌اندیشند و جهت ارائه این مدرک، امکانات مناسبی فراهم آورده است. این کالج آموزش عالی در حوزه‌های فلسفی اسلامی، تصوف اسلامی، دین و علوم را تدارک دیده است. گداندگان ایان کالج می‌گویند: ما به اساتید و کارکنان علمی مجرب خویش و نیز

کتابخانه، امکانات کامپیوتری و اینترنت، امکانات پژوهشی و سایر امکانات فنی کامل خود می‌بالیم، ما به خود را مؤسسه‌ای دارای جو دوستانه و محافظت کننده همراه با نظم و جدیت مناسب می‌بینیم.

این کالج برای تعالی و پیشرفت در حوزه‌های علمی و فوق علمی به حرکت در آمده است. ICAS جهت دستیابی به دیدگاهی بین‌المللی، پیوندهایی ارتباطاتی با سایر مؤسسات در اندونزی و خارج از آن برقرار کرده است.

از جمله دیگر مراکز آموزشی شیعه می‌توان به سازمان اسلامی فاطمه و یا پایاسان فاطیما در جاکارتا اشاره کرد که دارای کتابخانه غنی از کتاب‌های شیعه به زبان‌های اندونزیایی، عربی و انگلیسی می‌باشد. بیشتر این کتاب‌ها از طریق وب سایت این کتابخانه قابل دست رسی و استفاده است. مؤسسه دیگر، مؤسسه معارف اسلامی الجواد در باندونگ، جاوای غربی، است. ریاست مؤسسه بر عهده حسین محمد الکاف است که از جمله اعضای جامعه عربی حضرامی می‌باشد. از جمله اعضای معروف این جامعه، خانواده الکاف هستند که این مطلب از طریق درخواست کمک مالی به نوسازی مسجد آنان، مشخص است. از آن جا که وب سایت این انجمن مدتی است به روز نشده است، نمی‌توان تشخیص داد که آیا او همچنان ریاست مؤسسه را بر عهده دارد یا خیر. مؤسسه الجواد بولتنی را چاپ می‌کند که شماره‌های قبلی آن در وب سایت آنان یافت می‌شود. به نظر می‌رسد این مؤسسه از دیدگاه سیاسی در خط مشی کلی ایران حرکت می‌کند.

سفارتخانه ایران در مرکز جاکارتاست و وب سایت نیز دارد. توجه به این نکته تعجب برانگیز خواهد بود که گر چه صفحات زیادی در این وب سایت به فرهنگ ایران و اطلاعاتی در خصوص هنر و معماری، توریسم و اقتصاد اختصاص داده شده، اما برعکس وب سایت سایر سفارتخانه‌های ایران در سایر کشورها، هیچ مطلبی و اشاره‌ای به دین اسلام نشده است. به نظر می‌رسد مرکز فرهنگ اسلامی جاکارتا به نام «الهدی» به جای سفارتخانه به منافع اسلامی ایران در کشور اندونزی توجه می‌کند. این مسأله به ویژه پس از توجه به ساختمان الهی و معماری آن به ذهن متبادر می‌شود. این مرکز، هم چنین، نشریه‌ای به زبان اندونزیایی با نام الهدی چاپ می‌کند. جلال‌الدین رحمت - که قبلاً به وی اشاره شد - یکی از اعضای اصلی کمیته ساماندهی مرکز است. علاوه بر این، با نگاهی به نام‌های مقامات رسمی مرکز که در وب سایت آن موجود است، مشخص می‌شود که شمار زیادی از آنان به جامعه عرب اندونزی تعلق دارند. این نکته به خصوص هنگامی بیشتر به ذهن متبادر می‌شود که به فعالیت‌های السید محمد بن

العقیل حضرامی درباره پیروی شیعیان عرب جنوب شرق آسیا و تمایل آنان به ایران، توجه کنیم.

جالب است بدانیم با توجه به گسترش اخیر در بخش چاپ و نشر و وجود مؤسسات انتشاراتی فراوان شیعه در این کشور که از مهم ترین آنها می توان به پوستاکاهیدایا، میزان، لنترا و یاپی جارکارتا اشاره کرد، تا ماه فوریه سال ۲۰۰۱، تعداد ۳۷۱ عنوان کتاب در خصوص موضوعات شیعی به زبان اندونزیایی توسط ۵۹ مؤسسه انتشاراتی به چاپ رسیده است. از آن جا که آثار مکتوب چاپ شده به زبان مالایی در خصوص شیعه گری در مالزی محدود بوده و از سوی دیگر، قرابت چندانی با مذاهب شیعه ندارد، به همین دلیل آثار به زبان اندونزیایی به عنوان منبع اصلی جهت مراجعه مسلمانان مالایی زبان سنگاپور و مالزی، محسوب می شود. سازمان هایی مانند یایاسان فاطیما و دیگران به دلیل گستره فراوان توزیع ادبیات شیعی حتی از طریق اینترنت، از اهمیت فوق العاده ای برخوردارند. شیعیان اندونزی اغلب مطالعات خوبی داشته و فارغ التحصیل دانشگاه ها هستند. اما به هر حال، با توجه به گستردگی کشور اندونزی و اقلیت بودن این گروه، جای گاه شیعیان در کشور و تأثیر آن بر سایر جوامع مسلمانان، باید مورد بررسی دقیق تری قرار گیرد.

